علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیستم، شمارهٔ ۸۰ «ویژهٔ باورشناخت»، پاییز ۱۴۰۲، ص ۱۶۰-۱۸۱

رفتارشناسی اخلاقی و علمی امام رضا علیه‌السلام

زهرا خیراللهی[۱]

چکیده

شناخت ابعاد و زوایای شخصیت حضرت رضا علیه‌السلام با عنایت به نگرش رفتارگرایانه در این مقاله بررسی می‌شود. امام علیه‌السلام در جهت ارتقاء علمی و ثبات روابط فردی و اجتماعی، جایگاه رفیعی برای اخلاق و علم قائل شده‌اند و در این دو مقوله، تصویر روشنی از بکارگیری روشهای اصلاحی مبتنی برمؤلفه‌های اخلاقی و نشر و ترویج علم ارائه کرده‌اند.

پاسخ به شبهات و شرکت درمناظرات، جدال احسن، با وصف جامعیت علم و سعهٔ صدر، آموزش باورها و جهان بینی و نیز موعظه‌های اخلاقی، بیانگرهمت والای آن حضرت علیه‌السلام درنشرعلوم و معارف و شاخص‌های اخلاقی است. این نوشتار درصدد است به روش توصیفی ـ تحلیلی اولا به روشنگری گوشه ای از ابعاد شخصیت آن حضرت و ارائه الگویی تمام عیار در سلوک رفتاری و عملی، به تشنگان حقیقت و فرهیختگان معرفت بپردازد. همچنین با توجه به ظرفیت فرازمانیِ سخنان امام رضا علیه‌السلام می‌کوشد در پژوهشی نوین به واکاوی و معرفی رفتاراخلاقی و علمی ایشان ذیل مناظرات بپردازد. و نهایتا در پرتو معرفت افزایی در این زمینه و با توجه به آنچه از حقیقت رفتار و عمل و تفکیک لایه‌های آن بدست می‌آید، رفتاردرست و عملکرد صحیح در جامعه بطورکلی و بالاخص در جوامع اسلامی گسترش می‌یابد .

کلید واژگان: امام رضا علیه‌السلام ، اخلاق، علم، رفتارشناسی، مناظرات.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۲؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰.

۱. استادیار دانشگاه پیام نور گروه علوم قرآن، تهران، ایران zkheirolahi@pnu.ac.ir

مقدمه

تحلیل و ارزیابی رفتار، شخصیت و سخنان اندیشمندانه ائمهٔ هدی علیهم‌السلام بطورکلی و بویژه حضرت رضا علیه‌السلام با توجه به نگرش رفتارشناسانه، ارزش والای خود را دارد. انسان با زوایای پنهان و آشکار آن اسوه فضیلت‌ها، آشنا ترشده و با توجه به معرفتی که از این رهگذر حاصل می‌شود، برمیزان عشق و محبتش به آنان افزوده خواهد شد. طبیعی است که با عنایت به ظرفیت فرازمانی سخنان ایشان، در آن صورت با عزم و ارادهٔ جدی تری، آنان را امام و مقتدای خویش قرارخواهد داد.

حضرت رضا علیه‌السلام سلالهٔ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وامام هشتم شیعیان است. روح آن امام، چنان با «کرائم اخلاق» توأم گشته، که هرحکیم خلیقی را به اعجاب وا می‌دارد. آن جناب به لحاظ علمی چنان متبحربودند که هرعارف هوشمندی را مبهوت خویش می‌سازد.

حضرت رضا علیه‌السلام نیک می‌دانست که چه گنجینه‌های ارزشمندی را باید برای آیندگان ذخیره کند. با این نگرش بود که به مدیریت فرهنگی و رفتاریِ یاران و صحابهٔ فرهیخته خود همچون: فضل بن شاذان، ریّان بن صلت، محمدبن خالد، یونس بن عبدالرحمن وابن ابی عمیر، و...همت می‌گماشتند.(ر.ک: امین عاملی، ۱۴۰۶، ۲۶/۲)

حضرت رضا علیه‌السلام چه قبل ازآن که به ولایتعهدی نائل شوند وچه بعد ازآن موقعیت، که امکانات بیشتری دراختیارشان قرارگرفت، سعی بلیغ داشتند تا شیفتگان حقیقت را از شعله رفتارخویش منور سازند و آنان را از چشمهٔ زلال معارف خود سیراب گردانند.

در اوج گرفتاری و محنت، از زندانی شدنِ پدرعظیم الشأن خود، موسی بن جعفر علیه‌السلام گرفته، تابعد ازشهادت ایشان و طوفانی که در مدینه برپا شد، وسپس درگیری امین و مأمون و آن گاه تبعید به خراسان و مسئلهٔ ولایتعهدی؛ درهمهٔ این دوران، به هرشیوه ممکنی، استعدادهای درخشان را به حضور می‌پذیرفت و آنان را درمسیرصلاح و سداد، رشد و ارتقا می‌بخشید.

و مِـنْ مَطْلَعِـي نُورَالبَسِـيط كَلُمْعَـةٍ ومِن مَشرَعِي البَحرَالمُحِيطُ كَقَطرَةٍ
فَبَـدْرِي لَم يافِلْ وشَمْسِـي لَم تَغَب وَبِـي يَهْتَـدِي كُلُّ اَلدّرَارِالْمُنِيـرَةِ [۱]

۱. درازاء طلعت وجود من، نورخورشید، همچون شعله ای بیش نیست، وبحرمحیط، دربرابردریای شخصیت

حضرت رضا علیه‌السلام قبل از آن که به ولایتعهدی مأمون برگزیده شوند، شخصیت نافذی داشتند. این گونه شخصیت‌ها وقتی به سمت زمامداری دنیوی برسند، به کرسی قدرت افتخار می‌بخشند[1].آنان چیزی کم نداشتند که بخواهند با این تشریفات جبران کنند؛ برخلاف افراد فاقد شخصیت، که اگر روزی ازقدرت فاصله بگیرند یا عزل شوند شخصیتی نخواهندداشت.

این نوشتار تلاش دارد با تحلیل رفتار حضرت در بخشهایی از مباحث اخلاقی و علمی ایشان، به ایجاد رفتارهای سازنده و مؤثر و تربیت نهادهای مختلف در جامعه کمک کند.

قبل از ورود به مبحث رفتار شناسی اخلاقی و علمی امام رضا علیه‌السلام گذری مختصر به پدیده رفتارشناسی می‌کنیم.

رفتارشناسی

رفتارگرایی مکتب و نگرشی است که از دیرباز در میان اندیشمندان و فیلسوفان رواج داشته است. اما رواج گسترده روانشناسی رفتارگرا را می‌توان حاصل تلاشها و فعالیت‌های نسل جدیدی از دانشمندان رفتارگرا مانند جان واتسون، پاولوف و اسکینر دانست. در این پدیده، شیوه‌های ذهنی و تحلیلی در شخصیت شناسی کنار گذاشته می‌شوند و دقیقا به رفتار توجه می‌شود .

طرفداران مکتب رفتاری معتقد بودند که نهایتاً همه چیز در قالب رفتار، قابل مشاهده و سنجش است و رفتار را هم می‌توان با پاداش، تنبیه و شرطی سازی و مهندسیِ سایر عوامل محیطی، تغییر داد . از دیدگاه این مکتب، یادگیری که نهایتا به تغییر رفتار منتهی می‌شود. شناخت شخصیت انسانها در واقع همان آشنایی با ویژگیهای فردی و رفتاری آنهاست . این امر، از گذشته هدف اصلی روانشناسی بوده وامروزه نیز در همهٔ جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان نقشی ضروری و غیر قابل انکار دارد. (کرام الدینی، ۱۳۹۷، ۴۸)

من قطره‌ای بیش به شمارنمی رود. ماه وجودم هرگزافول ندارد و شمسِ هستی‌ام، هرگز غروب نمی‌کند و درپرتو وجود من است که ستارگان درخشان، هدایت می‌یابند. (ابن فارض، ۱۳۵/۱۳۹۰)

۱. وقتی امیرمومنان علیه‌السلام برکرسی خلافت نشست، صعصعة بن صوحان به آن حضرت، این گونه خطاب کرد: زَیَّنْتَ الخِلافَهُ وَما زانَتکَ ورَفَعتَهُ؛ شما کرسی خلافت را مزین ساخته و رفعت بخشیدی، نه آن که منصب خلافت به شما چیزی بیفزاید. (احمدی، ۱۴۳۶، ج۱، ص۱۶۲)

در این مقاله، با این نگرش به بررسی و تحلیل فضائل اخلاقی و علمی امام رضا علیه‌السلام پرداخته می‌شود.

رفتارشناسی اخلاقی امام رضا علیه‌السلام

زیبائی اخلاق بزرگترین سرمایه انسان است.ارزشی که اخلاق به انسان می‌بخشد، از هرعلم و هنر و ثروتی والاتر است. به همین دلیل مردم به نوابغ و دانشمندان احترام می‌گذارند، ولی به صاحبان اخلاق و فضیلت عشق می‌ورزند!

در سینهٔ امام رضا علیه‌السلام دریای علم و معرفت موج می‌زد (همانگونه که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: "ها اِنّ هَاهُنَا لَعِلْماً جَمّاً"[1] "بعلاوه از اخلاق و کرامت والائی نیز برخوردار بودند. دراین نوشتار، با اختصار به برخی از شاخص‌های اخلاقی حضرت با تأکید بر رفتارشناسی اشاره می‌شود.

۱. تواضع و فروتنی

تواضع نشانگرخردمندی و شخصیت یک انسان و خودشیفتگی و تکبر نشانگر نابخردی و جهالت خواهد بود. حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام، درعرصه‌های مختلف در این راستا می‌درخشد.

وقتی مأمون در راستای علمیت، زهد و عبادت از حضرت رضا علیه‌السلام تجلیل شایان کرد، حضرت ـ برخلاف کسانی که در چنین شرائطی دچار نخوت وغرور می‌شوند ـ تواضع نموده و فرمودند: " بِالْعُبُودِيْهِ لِلَّهِ اِفْتَخَرَ وَ بِالتَّوَاضُعِ فِي اَلدُّنْيَا اَرْجُوا اَلرَّفْعَةَ عِنْدَاللَّهِ عَزّوَجَل " به بندگی در پیشگاه حضرت احدیت سرافرازم و با تواضع وفروتنی در دنیا، بلندای مقام و منزلت را در پیشگاه الهی آرزو می‌کنم! (ابن شهراشوب، ۱۳۷۹، ۲۶۲/۴). بدین ترتیب گذشته ازتواضع و فروتنی، شکر و سپاس خویش را به ساحت احدیت به جا می‌آورند. در جای دیگر، وقتی از آن حضرت تمجید و تجلیل شایسته‌ای شد، از فرصت استفاده نموده و به صلاح و سداد، ارشاد فرمودند. به امام گفتند که به خدا سوگند بر سطح کره زمین

---

۱. امیر مومنان علیه‌السلام به صدر خود اشاره نموده ومی فرمود: آگاه باشید که، دریای علم درسینه من موج می‌زند! (نهج البلاغه/قصار۱۴۷)

کسی در شرافت نَسَبی به پای پدران و نیاکان شما نمی‌رسد! آن حضرت به جای تأیید گفته او، به مصداق "وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَلاَاَوْلادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى اِلاّ مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً" (سبأ/۳۷) شرافت نسبی را نادیده گرفته و فرمودند: آن چه آنان را سرافراز کرده و به حظ وافر رسانید، طاعت و فرمان بری ازخدا بود: "اَلتَّقْوَي شَرَّفَتْهُمْ وَطَاعَةُ اَللَّهِ اَحَظَتْهُمْ" (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۵/۴۹). این رفتار ازپیچیده‌ترین فرایندهای اخلاقی است که می‌تواند مورد تحقیق قرار گیرد. دین اسلام رفتاری راکه بر اساس تواضع و فروتنی باشد، برای سعادت بشر برگزیده و نمونه عینی داده است که در تصور انسان عادی نمی‌گنجد.

۲. تولّی و تبرّی

تولی و تبری، از ایمان ریشه دار و استوارِ یک انسان حکایت می‌کند. همان گونه که یک جا باید در راستای انجام وظائف الهی با دیگران با رأفت و رحمت برخورد کرد و آنان را درآغوش مهر و محبت خویش جای داد، در یک جا نیزباید از افرادی که با فرامین خدا سرِ ستیز و لجاج دارند، حتی اگر از خویشاوندان نزدیک باشد، ابراز برائت کرد و از آنان روی گردانید.

برهمین اساس حضرت رضا علیه‌السلام به برادرشان زیدبن موسی فرمودند: "اَنْتَ اَخِي مَا اَطَّعْتَ اَللَّهَ عَزَّوَجَل" تو برادر و محبوب من خواهی بود، مادامی که درمسیر تقوی وطاعت الهی قدم برداری! (عطاردی، ۱۴۰۶، ۲۳۱/۱).

حسن بن جهم نقل می‌کند: محفلی بود که درمحضر امام رضا علیه‌السلام بودیم، و زید بن موسی نیز در آن مجلس بود، حضرت بخاطر رفتار زشت وخلافی که زید مرتکب شده بود، او را مورد سرزنش وعتاب شدید قرار دادند. سپس به من فرمودند: کسی که با خدا به دشمنی برخیزد، از او بیزاری بجو، هر کس و از هر خاندانی که باشد. حسن بن جهم پرسید: چه کسی به دشمنی با خدا بر خاسته است؟ فرمود: هرکس که مرتکب گناه شده و عصیان الهی پیشه کند. (همان) ذریه پیغمبر مادامی مورد احترام‌اند وحتی نگاه به چهره آنان عبادت محسوب می‌شود، که از سیره وسنت پیغمبر منحرف نشده و خود را آلوده به گناه نسازند. (صدوق، ۵۱/۳/۱۳۶۳)

این نوع رفتار حضرت به‌دلیل انتقال یافتن آن‌ها به دیگران که کاملاً امکان‌پذیر و نوعی

شرطی سازی در فرایند رفتاری می‌باشد، قابل درک است. هدف آن گرامی از این نوع شرطی سازی، یادگیری رفتارهای جدید وجلوگیری از شیوع گناه است.

۳.کرامت و گذشت

عفو واغماض، فطرت پاک واصالت یک انسان را به نمایش می‌گذارد. صفای دل و چشم پوشی از کینه و انتقام، سیره بزرگان دین وائمه هدی علیهم‌السلام بوده است. آنان هرگز در برابر شرارت و رفتار زشت دیگران درصدد جبران و مقابلۀ به مثل برنمی آمدند. این خصیصه را در رفتار حضرت رضا علیه‌السلام نیز به نحو بارزی می‌بینیم.

هنگامی که هارون امام کاظم علیه‌السلام را به شهادت رسانید، «محمدبن جعفربن محمد» در مدینه خروشید و سربه شورش برداشت.

هارون «جلّودی» را برای سرکوب او اعزام کرد و دستور داد که علاوه بر از قتل محمد بن جعفر، به خانه‌های آل ابی طالب یورش ببرد و به خصوص لباس و زر و زیور زنان را غارت نموده و با خود بیاورد! جلودی به همین منظور به خانه امام رضا علیه‌السلام هجوم برد و درصدد غارت برآمد. حضرت رضا علیه‌السلام زنان را در یک اتاق گِرد آورد و درب خانه ایستاد و فرمود منظور تو چیست؟ جلودی گفت: من مامورم که لباس و زیورآلات زنان را با خود ببرم و به هارون تحویل دهم. حضرت به او اجازه ورود نداد، ولی آن چه راکه او درصدد بود گِرد آورد و تحویلش داد. وقتی مأمون عباسی به خلافت رسید، عده‌ای با جریان ولایتعهدی حضرت رضا علیه‌السلام مخالفت می‌کردند، که مأمون دستور داد آنان را دستگیر و بازداشت کنند، که از جمله آنان همین جلودی بود. حضرت رضا علیه‌السلام درکنارمأمون نشسته بود که جلودی را ازحبس آوردند. امام به مأمون اشاره کردند که او را مورد عفو و بخشش قراردهد! جلودی خود می‌دانست که چه جنایت هولناکی مرتکب شده است و شناخت کافی ازشخصیت امام نداشت. لذا به گمان این که امام درصدد انتقام است، مأمون را قسم داد که سخن ایشان را درباره او نپذیرد! مأمون هم سوگند یاد کرد که سخن امام را درباره تو نخواهم پذیرفت و با توجه به سوابقی که داشت، دستوراعدام او را صادر کرد.[1] (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۶۰/۲)

---

۱. ر.ک؛ (امین عاملی، ۱۴۰۳، ۶۰/۲)؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶۶/۴۹)

شناسایی الگوی رفتاری ایشان، سبب می‌شود صفای سریره و زیبائی روح حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام به نمایش گذاشته شود. کدام شخصیت، چنین سعهٔ صدری داردکه در ازاء این هتاکی وجنایت، نه تنها از انتقام و تشفی خاطر، چشم پوشید، بلکه درصدد کمک و نجات او برآید؟ چنان‌که گویی جز اکرام و محبت از او ندیده است! این همه از تلؤلؤ دین و ارائه اسوه برای انسان است.

۴. حفظ وحدت

وحدت و اتحاد کلمه در پرتو ایدئولوژی مشترک یعنی قوت و قدرت وتداوم حیات. اختلاف یعنی تضعیف و نابودی و چیره گشتن دشمن. در آئین اسلام بر حفظ وحدت و پل ارتباط تأکید بسیار شده و از هر عاملی که به گونه‌ای وحدت جامعه راشکسته ودیوار اختلاف و نزاع را جایگزین سازد، بر حذر داشته‌اند.

حضرت رضا علیه‌السلام در راستای اتفاق و وحدت جامعه اسلامی سعی بلیغ به خرج داده و با داشتن نقشه الگوی رفتاری به شیعیان بخصوص تأکید فراوان داشتند که عواطف، محبت والفت و صمیمیت را جایگزین اختلاف سازند و از اجحاف و بی اعتنائی در حق دیگران به شدت برحذر باشند. از این رو به حضرت عبدالعظیم حسنی رحمه‌الله این گونه سفارش می‌فرمایند:

سلام مرا به دوستانم برسانید وآنان راهشدار دهید که اجازه ندهند دشمن غداری همچون شیطان به خانهٔ دل آنان رسوخ کند و برقلوبشان مسلط شود! آنان را به راستگوئی و ادای امانت ارشاد کند و از آنان بخواهید که درموضوعات لغو و بی فائده به جدال و ستیز برنخیزند و سکوت پیشه سازند. به آنان سفارش کنید که به یکدیگراقبال کنند و به زیارت هم بشتابند، مبادا درصدد عیبجوئی برآیند و مقدمات فروپاشی از همدیگر را فراهم آورند! در زمینه وحدت و ویژگی‌ها و عوامل مؤثر برایجاد وحدت، زمانی که رفتار حضرت مورد مطالعه قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که امام چقدر زیبا و در مراتب مختلف با مهارت، فرایند رسیدن به این هدف را هدایت می‌کند.

بالندگی عقل و رشد شخصیت انسان در پرتو علم و معرفت میسر خواهد بود.[۱]

۱. "قُل ربّ زِدنِی عِلما" پیامبرا بگو پروردگارا وجود مرا درپرتو ازدیاد علم ودانش تکامل ببخش(طه/۱۱۴)؛ "عَلَی

ازایـن رو بـا شـگردهای مختلـف و در فراخـور زمـان، بـا عنایـت بـه رفتارشناسـی حضـرت می‌بینیـم چگونه‌ایشـان بـه پـرورش شـخصیت‌های فرهیختـه مبـادرت می‌ورزیدنـد.

رفتار ایشان در قالب‌های متنوع: دعا و نیایش، خطابه، تدریس، مناظره و جدال احسن، تفسیر و تبیین آیات قرآن و در نهایت، از هر شیوه‌ای برای نشردانش و معرفت استفاده می‌کردند.

حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام از فترتی که براثردرگیری بین امین و مأمون پیش آمده بود، استفاده بهینه نموده و در راستای نقشه الگوی رفتاری به پرورش شاگردان فرهیخته همت گماردند.

در موضوع رفتارشناسی افراد به رفتارهای قابل مشاهده آنها (در سطح زبان بدن و کلام) توجه می‌شود و سبک‌های غالب رفتاری آنها قابل حدس است. بنابراین براساس رفتارشان، مورد توجه قرار می‌گیرند. امام رضا علیه‌السلام با یک نگاه به چهره افراد، به ژرفای وجودشان راه یافته، که آیا حقیقت ایمان دراو شکل گرفته یا در زوایای جانش نفاق نهادینه شده است. " اَنَا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ اِذا رَاَیْنَاهُ بِحَقِیقَةِ اَلاِیمَانِ وَ حَقِیقَةِ اَلنِّفَاقِ" (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۵۷) تأثیر رفتارهای علمی امام در افراد مختلف، که همانا کلید موفقیت در برقراری ارتباط موثر در نشر علوم و معارف است، امری شاخص برای حضرت به‌شمار می‌رفت و همین امر در بسیاری موارد سبب هدایت آنها می‌شد .

گویای این حقیقت، سخن حمزة بن عبد المطلب بن عبدالله جعفی است که می‌گوید: نزد حضرت رضا علیه‌السلام رفتم، درحالی که کتاب یاکاغذی همراه داشتم که درآن ازامام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده بود: دنیا برای صاحب این امرهمچون گردوئی است که دو نیم شده باشد، "! انَّ الدُّنیا مُثِّلَتْ لِصاحِبِ هذاالاَمرِ فِي مِثْلِ فِلْقَةِ اَلْجَوْزَةِ"!

حضرت رضا علیه‌السلام فرمود: ای حمزه! به خدا سوگند که این نکته حرف حقی است که

اَن تُعَلِّمَنِ مِمّا عُلِّمتَ رُشداً "حضرت موسی علیه‌السلام از حضرت خضر علیه‌السلام تمنا می‌کندکه اجازه دهید ازمحضرشما علم ودانش فراگرفته تا در پرتو آن رشد شخصیت پیدا کنم. (کهف/۶۶)

باید آن را بر پوست محکمی بنویسید ـ که به سادگی ازبین نرود ـ " یَا حَمْزَهُ ذَا وَاللَّهِ حَقٌّ، فَانْقُلُوهُ الیَّ اُدِیمْ "!(عطاردی، ۱۴۰۶، ۱۷۲/۱)

مأمون دربین خلفای بنی العباس، ازهمه درس خوانده‌تر بود و از فقه و سایرعلوم حظّ وافری داشت. با این وصف، در معرفی شخصیت و رفتار امام هشتم علیه‌السلام اعتراف می‌کند: " هَذَا خَیْرُ اَهْلِ الاَرْضِ وَ اَعْلَمَهُمْ وَ اَعْبُدهُمْ "ایشان بهترین فرد روی زمین و عابدترین آنان است. (صدوق، ۱۳۶۳، ۱۸۳/۲)

نیز در شأن آن حضرت این گونه اقرار می‌کند: به خدا سوگند که علم صحیح جز نزد اهل بیت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یافت نمی‌شود . (همان/۲۰۳)

طرفه آنکه، امام رضا علیه‌السلام از این که مورد تمجید و تجلیل دیگران قرارگیرند، برحذر بود و برشعارقرآنی" اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنداللَّهِ اَتْقیکُم" تأکید داشتند، وحاضرنمی شدند که خود را اتقی از دیگران بدانند.

کسی به محضر آن حضرت علیه‌السلام آمد و عرض کرد: " اَنْتَ وَ اللَّهِ خَیْرُ اَلنَّاسِ " به خدا سوگند که بهتر از شما بر روی کره زمین یافت نمی‌شود. فرمودند: سوگند یاد مکن. بهتر از من کسی است که با تقوا و طاعت و بندگی بیشتری در ساحت احدیت گام بردارد. به خدا سوگند هنوز این آیه نسخ نشده است که: " اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنداللَّهِ اَتْقیکُم " (مرتضی العاملی، ۳۵۸/۱۴۱۶)

عبدالسلام هروی که در بیشتر مناظرات و نشست‌های علمی آن حضرت علیه‌السلام حضور داشته است، می‌گوید: هیچ کس را ازحضرت رضا علیه‌السلام داناتر ندیدم و هیچ دانشمندی آن حضرت علیه‌السلام را ندیده، مگراین که به برتری علمی او شهادت داده است. (اربلی، ۱۳۸۲، ۱۵۷/۳)

پاسخگویی امام رضا علیه‌السلام به شبهات

ارزش انسان به سؤال است. این که می‌بینیم برخی از نقصان وجهالت رنج نمی‌برند[1] به

۱. امام باقر علیه‌السلام در شعری چنین می‌فرماید:

خاطر آن است که به جهان مادی و محسوسات دل بسته و دچارغفلت‌اند.[۱]

بنابراین در این جا دو ارزش مطرح است: یکی ارزش سؤال و کاوش، و دیگری طرح سؤال مناسب و شایسته. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: علم گنجینه‌هایی است ـ که درسینه‌ها انباشته شده ـ، وکلیدآن سؤال است" اَلْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ"(مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۴/۷۴)

عامل اصلی موفقیت و خوشبختی انسان، در گرو داشتن رفتاری توانا برای برقراری ارتباط اثربخش و حرفه‌ای با دیگران است. افرادی موفق هستند که نسبت به موضوع حل تعارضات و شبهات و ارتباط اثربخش، رفتاری خودآگاهانه و معرفت زا داشته باشند.

یکی از رسالت‌های ائمه هدی علیهم‌السلام این بوده که همواره خود را دردسترس جویندگان حقیقت ودانشمندان قراردهند و به رفع شبهات و پاسخ به سؤالات آنان بپردازند. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گاه تا پاسی ازشب با سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه گفتگوی علمی داشتند.[۲] یا حضرت علی علیه‌السلام که حتی شبی را تا به صبح با ابن عباس به گفتگویی در راستای تفسیرسوره حمد، گذراندند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۲۳/۱)

حضرت رضا علیه‌السلام نیز که برخی از اوقات تا پاسی از شب درصدد پاسخگوئی به شبهات بودند. روایت ذیل اهتمام آن حضرت علیه‌السلام بر این رفتار اثربخش را نشان می‌دهد.

"در روضه جدم رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نشستم، در حالی که دانشمندان مدینه بسیار بودند، هرگاه یکی از آنان در مسأله ای در می‌ماند، همگی متوجه من می‌شدند و سؤالات رانزد من می‌فرستادند و من پاسخ آن‌ها را می‌دادم"(اربلی، ۱۳۸۲، ۱۰۷/۳)

«شِفَاءُ اَلْعُمْيِ طُولُ اَلسَّوَالِ وَ انما تمَامُ اَلْعُمْي طُولُ اَلسُّكُوتِ عَلَيَّ اَلْجَهْلُ»
درمان کوری و جهالت درسؤال کردن و دوام این کوری درسکوت و نپرسیدن است. (رازی، ۲۵۳/۱۴۰۳)

۱. خواجه نصیر در شرح اشارات شیخ الرئیس گوید: هر قوه‌ای در انسان، اشتیاق به کمال خویش داشته و از آن لذت می‌برد. مثلا چشم اشتیاق به نور داشته و از ظلمت رنج می‌برد. با این وصف چرا برخی با وجود داشتن قوه عاقله، از جهالت رنج نمی‌برند؟! به خاطر آن که اشتغال به محسوسات، او را از توجه به معقولات بازداشته است و مادام که ذوقی نباشد، شوقی نخواهد بود! (شیخ الرئیس، ۱۴۰۳، ۳۴۹/۳)

۲. از قول برخی ازهمسران نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که: كَانَ لِسَلْمَانَ مَجْلِسٌ مِنْ رَسُولِ اَللَّهِ يَنْفَرِدُ بِهِ بِاللَّيْلِ حتى كَادَ يَغْلِبُنَا عَلَيَّ رَسُولُ اَللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله. سلمان شب‌ها به محضر رسول الله می‌آمد، به گونه‌ای که گاهی بیش از ما با آن حضرت بود و از وجود مبارک ایشان استفاده می‌کرد. (مجلسی، ۲۲، ۳۹۱/۱۴۰۳)

تسلط بر کتب آسمانی

تسلط بر کتب آسمانی برای پیشوایان بزرگ اسلام یک ضرورت است، چراکه آنان پیوسته در معرض سؤال قرار می‌گرفتند و برای اثبات حقانیت اسلام باید به کتب آسمانی تسلط داشته باشند. همچنین در برابر افراد دین ستیز که به طورکلی همه ادیان الهی را نفی می‌کنند، باید مجهز و رفتاری آگاهانه داشته باشند تا بتوانند به دفاع ازدین بپردازند. حضرت رضا علیه‌السلام نه تنها به علوم قرآنی که برهمه کتب آسمانی مسلط بودند و درمناسبت‌های گوناگون، از جمله درمناظره با اهل کتاب، از آن استفاده می‌کردند «وَ اَنَّ اَللَّهَ قَدْ اَعْلَمَنِي بِكُلِّ كِتَابٍ اَنْزَلَهُ" (عطاردی، ۱۰۱/۲)

بهترین کسانی که به قرآن و سنت مسلط‌اند و به همه زوایای آن آگاهی دارند عترت پیامبراند ." اعْلَمَهُمْ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةُ وَ اعْدَلَهُمْ بِالقَضِيهِ وَ الحُجَّةِ عَلَي اهلُ الدُّنيا" ائمه هدی علیهم‌السلام اعلم به کتاب و سنت‌اند و در قضاوت ازهمه کس عادلتر، و وجود آنان حجت برخلایق به شمار می‌رود. (حرانی، ۱۳۸۱/ ۴۸۷)

فهم قرآن مراتبی دارد. فهم دقیق و تامّ و تمام قرآن اختصاص به نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام خواهد داشت. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اول مخاطب قرآن است و ائمه هدی علیهم‌السلام ورثه آن پیامبر عظیم الشأن محسوب می‌شوند. و بهترین کسی که قرآن را درک می‌کند، مخاطبین قران‌اند." اِنما يَعْرِفُ اَلْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ به"(کلینی، ۱۴۲۹/ ۳۱۱/۸)

اهتمام به قرآن

قرآن کتاب آسمانی و قانون اساسی اسلام است.قرآن باید درشریان‌های حیات ما جریان داشته باشد.[۱] ظاهری شیرین و باطنی عمیق و بس گسترده دارد.[۲] باید دانست که حجیت قرآن ذاتی است.

فاش گویم آن چه در دل مضمر است　　این کتابی نیست چیزی دیگر است

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمود: مَنْ قَرَأَ اَلْقِرَانَ وَ هُوَ شَابٌ مُؤمِنٌ اختَلَطَ القُرانُ بِلَحمِهِ و دَمِه"کسی که قرآن تلاوت کند درحالی که جوان مؤمنی است قران با گوشت وخون اوآمیخته خواهد گشت. (کلینی، ۱۴۲۹، ۶۰۳/۲)

۲. "ظاهِرُه اَنِيق وَ باطِنُه عَمِيق"(نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

چون که در جان رفت جان دیگر شود　　جان چو دیگرشد جهان دیگرشود

(اقبال لاهوری، ۱۳۹۷، ۳۵)

قرآن محوری را در زندگانیِ یکایک ائمه هدی علیهم‌السلام می‌بینیم. حضرت علی علیه‌السلام تسلط خویش برقرآن را بارها مطرح می‌کند.[۱] سالار شهیدان در شب حساسی همچون شب عاشورا از دشمن مهلت می‌خواهد تا به عبادت و تلاوت قرآن بپردازد. این خصیصه در حیات حضرت رضا علیه‌السلام نیزبه نحو بارزی مشاهده می‌شود. در باره قرآن سفارش أکید می‌فرمودند که قرآن بهترین مسیرهدایت وسعادت است: "کَلامُ اللَّهِ لاتُجاوِزُوهُ وَ لاتَطْلُبُوا الهُدیَ فِی غَیْرِهِ فَتَضِلُّوا" قرآن کلام الهی است، ازآن تجاوز نکنید و هدایت را درغیر آن جستجو نکنید، که گمراه خواهید شد. (صدوق، ۱۴۱۷/ ۳۲۶)

نیز فرمود: مبانی و معارف دینی را باید از منبع اصیل آن دریافت کرد. نمی‌توان به گزاف، آن را از هرکسی فرا گرفت وگرنه انسان سرگردان وگمراه می‌شود. ازغیرمسیر رفتن و منبع اصیل را رها نمودن، منجر به غیرپرستی و"شرک" خواهد شد. تنها راه ایمن برای رسیدن به وحی الهی در اسلام، نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. (صدوق، ۱۳۷۸، ۹/۲)

بُعد رفتاریِ حضرت، در برخورد با مسلمانان وکیفیت ارتباطشان با غیر مسلمانان در موضوع قرآن جایگاه ویژه ای داشت.

«ابوذکوان» شیفتگیِ آن حضرت به قرآن را این گونه وصف می‌کند: هرگز دیده نشد که در بارهٔ موضوعی از حضرت رضا علیه‌السلام سؤال شود، مگر آن که جوابش را می‌دانست و سخن و جواب و مثال آوردنش همه با شواهدی از قرآن بود. (همان، ۱۸۰/۲)

اهتمام آن حضرت به قرآن به گونه‌ای بود که درنمازهای واجب و مستحب، سور متنوع قرآن را تلاوت می‌فرمودند. (همان، ۱۸۲/۲) امام علیه‌السلام توصیه اکید داشتند که مسلمانان درخانه‌های خود با قرآن انس و الفت داشته و به تلاوت آن بپردازند" اِجْعَلُوا لِبُیُوتِکُمْ نَصِیباً مِنَ اَلْقُرْآنِ" (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۸۵/۴)

---

۱. امیرمومنان علیه‌السلام می فرماید: به خداسوگند، آیه ای نیست، مگرآن که من می‌دانم که آیا به شب نازل شدیا در روز، درکوه نازل شد یادر دشت. (حسکانی، ۱۴۱۱، ۴۰/۱). همچنین رجوع شود به خطب نهج البلاغه: ۱۱۰، ۱۵۶، ۱۸۳، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۲۳، ۱۹۸، ۱

عبارت فوق حاوی این پیام است که نه تنها پدران و مادران درخانواده به قرآن اهتمام ورزند، که درآموزش وحفظ قرآن نسبت به فرزندان نیز باید جدی وکوشا باشند.

مناظرات حضرت رضا علیه‌السلام

مناظره یک اصل قرآنی، خردپسند وحکیمانه است.گاهی باید در جایگاه گویندهٔ محض وگاهی باید شنوندهٔ سرتا پاگوش بود وگاهی شرائط به گونه‌ای است که جدال احسن و مناظره، راه گشاست.در قرآن مجید ازاین اصل ارزشمند به عنوان جدال احسن یاد شده است . جدال بر وزن فعال از کلمه مجادله گرفته شده و اصلش از لفظ جدل است که از«فتل» به معنای تابیدن و پیچیدن می‌باشد.گوئی دو نفر که با هم بحث می‌کنند، هر یک از آنان دیگری را با رأی و نظرخویش می‌پیچاند. (دهخدا، ۱۳۷۷، «جدل»)

جدل اقسام فراوانی دارد . دریک تقسیم، که قرآن نیزبدان اشاره فرموده است، می‌توان گفت که: جدال بر دو گونه است: جدال احسن وجدال غیراحسن. جدال احسن همان است که انسان در صدد بیان واثبات حق برآید. ولی جدال غیراحسن درمقام غلبه باطل برحق است"وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ"(غافر/۵)

به هرحال باید به دیگران مجال داد تا بپرسند، انتقاد نمایند ودغدغهٔ ذهنی خود را مطرح کنند[۱]. برهمین اساس قرآن مجید در راستای هرادعائی می‌پرسد: برهان شما چیست؟" قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ "(انبیاء/۲۴)

نیز خطاب به نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: " اُدْعُ الي سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمة وَ المَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ احسَن" مردم را با شگرد رفتاری متنوع: حکمت، موعظهٔ حسن و جدال احسن، به سوی خدا دعوت کن (نحل/۱۲۵). و در مورد اهل کتاب می‌فرماید: جزبا جدال احسن با اهل کتاب به گفتگو مپردازید." وَلَاتُجَادِلُوا اَهْلَ الْكِتَابِ الَّا بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ" (عنکبوت/۴۶)

از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که می‌فرماید: مائیم که پیوسته دردین خدا به جدال احسن می‌پردازیم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۵/۲)

---

۱. ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۲، ذیل آیه نحل/۱۲۵.

جدال احسن رفتاری بر اساس سیره عقلا است و یک اصل ممدوح به شمار می‌رود، که قرآن مجید بر آن عنایت ویژه دارد.

در جایگاه ولایتعهدی برای حضرت رضا علیه‌السلام شرائط ویژه ای پیش آمد که زمینهٔ این نوع رفتار یعنی مناظره وگفتگو با اقشار مختلف فراهم گشت. امام رضا علیه‌السلام ازاین فرصت، بهره وافربردند، به گونه‌ای که تعداد زیادی سؤال را در این گفتمان‌ها و محاورات جواب فرمودند وهمه را مبهوت خود ساختند. (شریف قرشی، ۱۳۸۶، ۷۲/۱)

امام رضا علیه‌السلام بین دوست ودشمن به "عالم آل محمد" معروف شده بودند.

دونالدسن مستشرق معروف، عین مناظرات آن حضرت علیه‌السلام را در کتاب تاریخ خود نقل کرده و محدثان و مورخانی همچون ابوبکر خطیب در تاریخ بغداد، ثعلبی در تفسیرش، سمعانی در انساب، ابن شهر آشوب در مناقب، بر فضل و برتری آن حضرت علیه‌السلام اذعان نموده‌اند.(عطائی خراسانی، ۱۳۴۹، /۳۱۰)

در این نوشتاربه پنج مناظره به اختصاراشاره می‌شود:

مناظرهٔ امام رضا علیه‌السلام با مأمون عباسی

در بین خلفای بنی العباس، مأمون ازهمه درس خوانده تروباسواد تربود، او در فرصت‌های گوناگون با حضرت رضا علیه‌السلام به گفتگو و مناظره می‌پرداخت. یکی از مناظرات مأمون با حضرت رضا علیه‌السلام مناظره معروف با محوریت عصمت انبیاء علیهم‌السلام است. رفتارگرایی حضرت در این مناظره قابل توجّه است.

مأمون ازحضرت رضا علیه‌السلام درباره عصمت انبیاء علیهم‌السلام می‌پرسید و پیوسته از آیات قرآن استشهاد می‌کرد و حضرت جواب می‌دادند. با اختصار به دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱- چراحضرت ابراهیم علیه‌السلام درگفتگوی با ستاره پرستان، به کوکبی اشاره و فرمود: " هَذَا رَبِّي" این ستاره پروردگارمن است؟! (انعام/۷۶) حضرت رضا علیه‌السلام درجواب فرمودند: این بیان بر سبیل انکار و استفهام بود، نه برسبیل خبردادن و اقرار. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۹/۱۱) . نیز بخاطر ابطال مرام آنان بود و این که باید خالق این‌ها پرستیده شود، نه خود آن ها. درضمن

این احتجاج، الهامی بود، که خدای سبحان به حضرت ابراهیم علیه‌السلام عنایت فرمود: "وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ" (انعام/۸۳)

۲- مأمون پرسید: درباره حضرت یوسف علیه‌السلام چه می‌فرمایید که درقرآن آمده است: "وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَّأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ" حضرت علیه‌السلام فرمود: بله، اگر برهان رب را نمی‌دید او هم تمایل پیدا می‌کرد، ولی با وصف دیدن برهان رب دیگرچنین تمایلی پیدا نکرد. (بحار ۱۱ص۷۸، امین عاملی، ۱۴۰۳، ۲۲/۲). مناظره مزبور مفصّل است که جهت اختصار به همین مقدار اکتفا شد.

مناظره امام رضا علیه‌السلام با جاثلیق

جاثلیق رهبر بزرگ مسیحیان و به منزله پاپ در این زمان است. حضرت رضا علیه‌السلام در زمینه‌های گوناگون با جاثلیق به مناظره پرداختند که دراین نوشتارجهت اختصاربه گوشه‌ای ازآن اشاره می‌شود.

جاثلیق ازحضرت رضا علیه‌السلام پرسید: آیا پیامبریِ حضرت عیسی علیه‌السلام درنزد شما محرز است؟

اگرامام به طورمطلق اعتراف می‌فرمود، او این چنین استدلال می‌کرد:

درباره پیامبری حضرت عیسی علیه‌السلام اجماع داریم ولی پیامبری حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد اتفاق نبوده و ما آن را انکارمی کنیم. بنابراین عقل وانصاف اقتضا می‌کند که پیامبریِ آن کسی را بپذیریم که همه برآن اعتراف و اتفاق نظر داریم و فرد مورد اختلاف را رها کنیم.

ولی حضرت رضا علیه‌السلام با بیانی قاطع و محکم، بی درنگ فرمودند: ما پیامبریِ آن عیسائی را قبول داریم که به پیامبریِ حضرت محمد علیه‌السلام بشارت داد[1] وحواریین نیز بدان اقرار کردند، و گرنه ما آن عیسائی که چنین بشارتی را نداده باشد، از ریشه نمی‌شناسیم و هرگز به پیامبری او اعتراف نمی‌کنیم. (طبرسی، ۱۳۸۶، ۴۰۷/۲)

در اینجا حضرت رضا علیه‌السلام به رفتار و شگرد حکیمانه ای درمناظره روی آوردند و با استفاده ازیک زاویه ابتکاری فرمودند: بله ما به آن عیسائی که به محمد ایمان آورد، گرایش

۱. «مُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَاتِي مِنْ بَعْدِي اِسْمُهُ اِحْمَدُ» (صف/۶)

و ایمان داریم، لکن مشکلی که در زندگی حضرت عیسی علیه‌السلام مشاهده می‌شود، قلّت نماز و کمیِ روزه است " وَ مَانَنْقُمْ عَلَيَّ عِيسِي شَيْئاً اِلاَّ قِلَّةُ صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ"

دراین هنگام جاثلیق برآشفت و گفت: گمان من این بود که شما اعلم اهل اسلام هستید، ولی الآن چیزی را مطرح نمودید که خلاف آن را اثبات می‌کند. حضرت فرمودند: چطور؟! جاثلیق گفت: حضرت عیسی عبادت نمی‌کرد؟! پیوسته و درطول عمرش به صیام نهار و قیام لیل اشتغال داشت. حضرت رضا علیه‌السلام فرمودند: " فَلِمَنْ كَانَ يَصُومُ وَ يُصَلِّي؟" نمازو روزه برای چه کسی به جا می‌آورد؟ آیا خدا برای خود نماز می‌گزارد و روزه می‌گیرد؟! در اینجا جاثلیق از جواب عاجز ماند و مبهوت شد! (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲۰۳/۲)

آن گاه حضرت رضا علیه‌السلام پرسید: چرا شما حضرت عیسی علیه‌السلام را خدامی دانید؟ جاثلیق گفت: چون مرده زنده می‌کرد و بیماری‌های لاعلاج ـ همچون برص وکورمادرزاد ـ را شفا می‌بخشید. وجز خدای متعال، کسی قادربه چنین سازوکاری نیست.

در این جا امام علیه‌السلام به شیوۀ جواب نقضی فرمودند: حضرت الیسع پیامبر علیه‌السلام نیز مرده زنده می‌کرد. آیا کسی او را می‌پرستید؟! حضرت حزقیل علیه‌السلام نیزمثل حضرت عیسی علیه‌السلام مرده زنده می‌کرد، آن هم پس ازشصت سال! پس (طبق مبنای شما) ایشان هم خداست و مردم باید او را بپرستند؟!

سپس فرمود پیامبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نیزمرده زنده می‌کرد و بیمارلاعلاج را شفا می‌بخشید وطیور و بهائم با او سخن می‌گفتند، ولی ما هرگز او را نمی‌پرستیم. هم چنین حضرت خلیل الرحمن علیه‌السلام پرندگانی راگرفته و سربرید و سپس آن‌ها را برکوه‌های اطراف پراکنده ساخت وسپس آن‌ها را فراخواند و همگی زنده شدند. حضرت موسی علیه‌السلام نیزدرجریان میقات و لقاء الهی مرده زنده کرد، آیا همه آن پیامبران باید پرستیده شوند؟ !(طبرسی، ۱۳۸۶، ۲۰۴/۲-۲۰۵)

جواب حلی اش به اختصاربدین شرح است: ۱- اقتضای حکمت الهی خلقت انسان وهدایت افراد بشراست.۲- برای این منظورافراد زبده ای برای رسالت الهی وابلاغ وحی بر گزیده می‌شوند.۳- دراین راستا خداوند حکیم، پیامبران خویش را به قدرت اعجاز مجهز می‌سازد. به تعبیر جناب خواجه نصیرالدین طوسی رحمه‌الله راه اثبات حقیقت نبوت، قدرت

اعجاز آنان خواهد بود.(خواجه نصیر، ۱۳۶۸ /۲۷۶)۴- تا هرشیّادی نتواند ادعای پیامبری کند و مردم را دردام ضلالت خود گرفتارسازد. ۵- غیرممکن است که خداوند حکیم، ابزار اعجاز را دراختیار شیادان قراردهد.

در این جا جاثلیق گفت: "اَلْقَوْلُ قَوْلُكَ وَلاَ اِلٰهُ اِلاّ اَللّٰهُ" و در نهایت عرض کرد: به خدا سوگند گمان نمی‌کنم که دردانشمندان اسلام، کسی نظیرشما پیدا شود. (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲۰۸/۲)

مناظره امام رضا علیه‌السلام با رأس الجالوت

حضرت رضا علیه‌السلام با رأس الجالوت رهبر بزرگ یهودیان نیزگفتگوی مفصلی داشتند که با اختصاربه فرازی ازآن اشاره می‌شود. در این مناظره امام هشتم علیه‌السلام تمام دعاوی خویش را بر اساس کتاب مقدس یهودیان مطرح فرمودند، که این امر باعث شگفتی حضار گردید! انگیزه حضرت در این نوع رفتار تأثیرگذاری برمخاطب بود که موفق شدند.

حضرت رضا علیه‌السلام با راس الجالوت به گفتگو پرداخته و فرمودند: شما چرا نبوت حضرت عیسی علیه‌السلام را انکارمی کنید؟ درجواب گفت: چون معجزه ای ازاومشاهده نکرده ایم.

فرمودند: مگرمعجزات حضرت موسی علیه‌السلام را مشاهده کرده اید؟! آیا جزآن است که اخبارموثقی به شما رسیده و آن را تصدیق می‌کنید؟حال اگر اخبار موثقی داشتیم که حضرت عیسی علیه‌السلام نیزمعجزه داشته‌اند، آیا نباید رسالت ایشان را پذیرفت؟ چطورحضرت موسی علیه‌السلام را تصدیق می‌کنید ولی نبوت حضرت عیسی علیه‌السلام را انکار می‌کنید؟! دراین جا رأس الجالوت درجواب متحیرماند. (همان، ۲۱۱/۲) حضرت رضا علیه‌السلام فرمود: وهمچنین است داستان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله وآن چه او با خود آورد.

محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله درسی نخوانده و معلمی ندیده بود. امّا قرآنی آورد که در آن قصص انبیای الهی واخبارآنان به طور دقیق نقل شده است. همچنین از اخبار گذشته وآینده خبر داده است، و بسیاری معجزات دیگر. رأس الجالوت گفت: در نظر ما اخبارعیسی و محمد صحیح نیست و ما بدان اقرارنمی کنیم! حضرت فرمودند: یعنی شهادتی که دربارهٔ حضرت عیسی علیه‌السلام وحضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌شود، شهادت به باطل است؟!" فَالشَّاهِدُ اَلَّذِي

يَشْهَدُ لِعِيسَي وَ مُحَمَّدٌ شَاهِدُ زُورٍ"؟! دراینجا راس الجالوت از جواب بازماند. " فَلَمْ يُحِرْجَوابا" (همان، ۲ /۲۱۱-۲۰۸)

مناظره امام رضا علیه‌السلام با عمران صابی

در نهایت، حضرت رضا علیه‌السلام به جمعیت فرمودند: اگر کسی هست که با اسلام مخالف باشد و سؤالی دارد، با آرامش- بدون ترس و واهمه- بپرسد.

«عمران صابی»[1] که یکی از متفکرین حاضر در محفل بود، از جا برخاست و عرضه داشت که اگر خودتان دعوت به سؤال نفرموده بودید نمی‌پرسیدم! من دانشمندان و متکلمین فراوانی را درکوفه و بصره و شام وجزیره، ملاقات نموده ام، ولی کسی را نیافتم که خدای یکتای بی همتا را برای من ثابت کند؛ حال شما اجازه می‌فرمائید که سوال بپرسم؟

حضرت فرمودند: اگر در این جمعیت عمران صابی باشد، شما هستید؟! گفت: بله من هستم .فرمودند با رعایت انصاف سؤال کن! گفت: بله همین طور است، که اگر برایم ثابت شود از آن تجاوز نخواهم کرد. حضرت فرمود: هرچه در ذهن داری بپرس. عمران پرسید مرا از کائن اول و آن چه خلق نموده آگاه گردان؟

فرمودند: خدای واحد پیوسته بوده و هست. یگانه‌ای که هیچ چیزی با او همطراز نیست. بدون حدود و اعراض. سپس خلائق را ابداع فرمود - درحالی که از قبل چیزی نبودند - با اعراض وحدود مختلف. ودر این جا شمه‌ای از اوصاف مخلوقات را وصف نمودند. این خلایق راخدای سبحان نه به خاطر احتیاج به آن‌ها آفرید، که توسط آنها به زیاده یا کمی نائل آید. ای عمران آگاه باش که اگر قرار بود که خدای منّان خلقی را به خاطرحاجت بیافریند، نمی‌آفرید مگر کسی را که بتواند به او یاری برساند، و درآن صورت باید خیلی بیشتراز آنچه آفرید، بیافریند؛ چرا که اعوان و انصار هرچه بیشتر باشند، صاحب آن قوی‌ترخواهد بود. دراین مرحله بین آن حضرت و عمران صابی سؤال وجواب فراوانی رد و بدل شد، تا این که درنهایت حضرت رضا علیه‌السلام فرمودند: ای عمران! آن چه

۱. مناظره عمران صابی حاوی مهمترین و مبهم‌ترین سؤال‌های حکمت در باره عقل متعالی است که عقول محققان را هنگام تفکر در آن خسته می‌کند. (قرشی، ۱۷۲/۱۳۸۲)

گفته شد را خوب فهمیدی؟! عمران صابی گفت: بله ای آقای من؛ و شهادت می‌دهم به این که خداوند همان گونه است، که شما به یگانگی و صفات بیان فرمودید. و همچنین شهادت می‌دهم به این که محمد بنده خدا و فرستاده اوست که برای هدایت و دین حق برگزیده شده است. سپس عمران، روی خود را به قبله برگردانید وبه سجده افتاد واسلام آورد. و دراین جا مجلس مناظره وگفتمان به پایان رسید. وقتی حضرت رضا علیه‌السلام به منزل رسیدند، غلامی را به سوی عمران فرستادند و او را به نزد خود احضارنموده و به او خلعت و مال فراوانی عطا فرمودند. (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲۱۴/۲)

با عنایت به آنچه گفته شد، این نکته در خور توجه است که تا چه حد فرآیند رفتار در مکتب رفتارشناسی می‌تواند بر دستاوردهایی که در نهایت کسب می‌کند، تأثیرگذار باشد. امام علیه‌السلام در هر مقطعی از این فرآیند بهره برده وتوانستند هر حالت منحصر به فردی در شرایط گفتار، موضع گیری، اظهار نظر، عقیده، انتخاب، نگرش، برداشت، هدف و ... را مدیریت کنند. لذا ضرورت دارد بررسی‌های عمیق‌تری در فرآیند نگرش‌های رفتارگرایانه در سیره ائمه علیهم‌السلام صورت پذیرد تا در پرتو معرفت افزایی و با توجه به آنچه از حقیقت رفتار و عمل و تفکیک لایه‌های آن بدست می‌آید، رفتار درست و عملکرد صحیح در جامعه بطور کلی و به ویژه در جوامع اسلامی گسترش یابد .

نتایج و پیامها

بی شک یکی از راههای انتقال معرفت دینی و تربیتی به مخاطبان، استفاده از الگوهای تربیتی است که در اسلام به صورت عینی در اختیار مسلمانان قرار گرفته است . یکی از این نمونه‌ها امام رضا علیه‌السلام است. سلوک رفتاری امام در موارد مختلف اخلاقی و علمی ایشان بسیار قابل توجه و در جهت ترویج تربیت مترقی اسلامی و تبیین اندیشه صحیح و تقابل با انحرافات روز است . نتایج ذیل با عنایت به رفتارشناسی امام رضا علیه‌السلام در موارد مختلف اخلاقی و علمی حاصل می‌شود:

۱- سیمای حضرت رضا علیه‌السلام ، به گونه‌ای درخشان بود که فرامین و نامه‌های ایشان، در سراسر کشور اسلامی آن روز نافذ بوده و عنوان ولایتعهدی چیزی برآن نیفزوده است.

۲- در برابر تعریف وتمجید دیگران، باید عکس العمل نشان داده و به این ثنا خوانی‌ها اجازه و میدان نداد.

۳- برسرتقوی وانجام وظائف الهی، با هیچ کس حتی نزدیک‌ترین افراد نباید معامله کرد و در صورت لزوم، باید از آنان تبری جست.

۴- بزرگان دین باید حفظ وحدت امت اسلامی و جلوگیری از تشتت را سر لوحه هدایت و رهبری خویش قرار دهند.

۵- درنشرعلوم و معارف وپرورش فرهیختگان، باید اهتمام بلیغ به خرج داد وازهرفرصتی دراین راستا بهره مند شد.

۶-اکتساب علوم ونشرمعارف تا آن جا مورد اهتمام است، که دربرخی از موارد حتی مستحب مؤکدی همچون نماز شب را می‌توان فدای آن نمود!

۷-حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام به انس با قرآن تأکید شایانی داشتند. وهمان گونه که اشاره می‌فرمایند، درفهم دقیق وتام «قرآن» باید به نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمۀ هدی علیهم‌السلام مراجعه کرد.

۸- مناظره وجدال احسن با انگیزه دستیابی به حقیقت، یک اصل قرآنی است که بزرگان دین، بدان توجه ویژه داشته‌اند.

۹-حضرت رضا علیه‌السلام، درگفتمان ادیان و مناظرات، حضورفعال وجدی داشته و سؤالات زیادی را پاسخ داده‌اند.

۱۰- برخورد اسلام با پیروان سایر مکاتب قبل از هرچیز باید منطقی باشد و منطق اسلام به قدری نیرومند است که در اثبات حقانیت خود ازمکتب‌های دیگرهیچ واهمه ای ندارد.

۱۱-علمای اسلام باید درهرزمان ازتمام مکاتب ومذاهب دیگربا خبرباشند و برتری آیین اسلام را برهرمکتب دیگری اثبات نمایند.

۱۲-آشنائی با زبان‌های زنده دنیا برای علمای اسلام ضروری است.

۱۳-علمای اسلام باید با علم روزحرکت نموده و از وسائل ارتباط جمعی موجود درجهان حداکثر بهره وری را داشته باشند.

۱۴-تأثیر رفتارهای علمی امام در افراد مختلف، که همانا کلید موفقیت در برقراری ارتباط موثر در نشر علوم و معارف است امری شاخص برای حضرت به‌شمار می‌رفت و همین امر در بسیاری موارد سبب هدایت آنها می‌شد. و نهایتا اینکه تمسک به سبک و الگوی رفتاری امام علیه‌السلام می‌تواند اهداف متعالی اخلاقی و علمی را تحقق بخشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبدالحمید، **شرح نهج البلاغه**، نشرمکتبه آیه الله نجفی المرعشی، ۱۴۰۴ق

ابن اثیر، عزالدین، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق

ابن شهرآشوب، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب**، قم، نشرعلامه، ۱۳۷۹ ق

ابن فارض مصری، عمربن علی، **دیوان اشعار**، قم، نشرالشریف الرضی، ۱۳۶۹ش

احمدی میانجی، علی، **مکاتیب الائمه**، قم، دارالحدیث، ۱۴۳۶ق

اربلی، محدث، **کشف الغمه فی معرفه الائمه**، تهران اسلامیه، ۱۳۸۲ش

امین عاملی، سید محسن، **اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق

تمیمی آمدی، عبد الواحد، **تصنیف غررالحکم ودررالکلم**، مصحح: درایتی، قم، دفترتبلیغات، بیتا

جوادی آملی، عبدالله، **قرآن حکیم ازمنظرامام رضا** علیه‌السلام، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۱ش

حسکانی، عبیدالله، شواهد **التنزیل لقواعد التفضیل**، مصحح: محمودی، محمدباقر، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق

حرانی، ابو محمد، **تحف العقول عن آل الرسول**، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۱ش

حرعاملی، محمدبن الحسن، **وسائل الشیعة**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق

خواجه نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، قم، شکوری، ۱۳۶۷ش

دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش

رازی، علی بن محمد، **کفایه الاثر**، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق

شریف قرشی، باقر، **موسوعة الامام الصادق** علیه‌السلام، نجف اشرف، مهرامیرالمومنین، ۱۳۸۶ش

--------، پژوهشی دقیق درزندگی امام رضا علیه‌السلام، ترجمه سید محمد صالحی، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۲ش

شیخ الرئیس، حسین، **اشارات وتنبیهات**، شرح خواجه نصیر، تهران، دفترنشرحیدری، ۱۴۰۳ق

صدوق، محمدبن علی، **عیون اخبار الرضا** علیه‌السلام، قم، نشرطوس، ۱۳۶۳ش

--------، **امالی** صدوق، قم، بعثت، ۱۴۱۷ق

--------، **توحید صدوق**، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق

طباطبائی، حسین، **المیزان فی تفسیرالقرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش

طبرسی، احمدبن علی، **الاحتجاج**، نجف، النعمان، ۱۳۸۶ق
طبرسی، فضل بن الحسن، **اعلام الوری باعلام الهدی**، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ق
طبرسی، علی بن الحسن، **مشکاة الانوارفی غررالاخبار**، نجف، المکتبة الحیدریه، ۱۳۴۴ق
طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران، نشرالثقافة الاسلامیه، ۱۳۶۷ش
عباسی، محمد، **برهان قاطع**، چاپ دوم، مطبوعاتی فریدون علمی، ۱۳۴۴ش
عطائی خراسانی، علی اصغر، **پرتوی از زندگانی هشتمین امام علی بن موسی الرضا** علیه‌السلام مشهد، نشر طوس۱۳۴۹ش
عطاردی، عزیزالله، **مسند الامام الرضا** علیه‌السلام، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق
عمربن علی، ابن فارض، «**دیوان اشعار**»، قم، بیت اشراق، ۱۳۷۶ش
فولادوند، محمدمهدی، **ترجمه نهج البلاغه**، تهران، نشر ضائب، ۱۳۸۰
قمی، عباس، **تتمة المنتهی**، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۳۸۹ش
کاشانی، ملافتح الله، **تفسیرمنهج الصادقین**، تهران، کتاب فروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش
کرام الدینی، محمد، **رفتارشناسی**، انتشارات فاطمی، ۱۳۹۷ ش
کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق
الکفاح الاسلامی سال هفدهم ماه نیسان، ۱۹۵۵م
لاهوری، اقبال، **جاوید نامه**، تهران، نشر عالی نگار، ۱۳۹۷ ش
مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
--------، **مرآة العقول فی شرح اخبارآل الرسول**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش
مرتضی العاملی، جعفر، **الحیاة السیاسیة للامام الرضا** علیه‌السلام، قم، جامعة المدرسین، ۱۴۱۶ق
مکارم شیرازی، ناصر، **مناظرات تاریخی امام رضا** علیه‌السلام، مشهد، بنیادپژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۸ش
مفید، محمد بن محمد، **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، نشرکنکره مفید، قم، ۱۴۱۳ق
--------، **الاختصاص**، قم، المؤتمرالعالمی لالفیةالشیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق